

نگاهی به وضعیت آموزش تاریخ در مدارس

مهتاب چنگائی^۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹-۰۴-۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۱۱-۰۵

چکیده

تاریخ، مجموعه حوادث فرهنگی، طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رویداد هایی است که در گذشته و در زمان و مکان زندگی انسانها و در رابطه با آنها رخ داده است و هویت و میراث آنها محسوب می شود. برای بقا و استمرار فرهنگ و تمدن، هر جامعه ای باید میراث خود را به نسل های آتی انتقال دهد و هویت خود را پاس بدارد. در راستای چنین وظیفه مهمی درس تاریخ در برنامه درسی قرار گرفته است. اما ماهیت غیر عینی تاریخ و انقطاع زمانی میان گذشته و حال و مشکلاتی که در آموزش این درس به چشم می خورد، آن را برای فراگیران دشوار کرده است. لذا این مطالعه با هدف بررسی اجمالی وضعیت آموزش تاریخ در مدارس، با بهره گیری از منابع مکتوب و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. بر اساس یافته ها، در سه بخش محتوا، روش های آموزش و روش های ارزشیابی درس تاریخ چالش هایی وجود دارد که نیازمند توجه هستند.

واژه گان کلیدی: تاریخ، آموزش تاریخ، محتوا، روش های تدریس، روش های ارزشیاب

^۱ - عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان mch192@yahoo.com

مقدمه

انسان موجودی است که نه تنها قادر است در بعد زمان در گذشته خود اندیشه کند و به تحلیل آن بپردازد و آگاهی و تجربه بدست آمده را برای زمان حال بکارگیرد و به پیش بینی آینده پرداخته و براین اساس آن را ترسیم کند، بلکه قادر است از تجارب و سرگذشت دیگران هم درس گرفته و از آن برای بهبود حال و آینده خود استفاده کند. علاوه براین، در طول تاریخ همواره به روش و ابزارهای مختلف در صدد بوده تا دانش، تجارب و میراث خود را به نسل های بعدی انتقال داده و آنها را از تاریخ و سرگذشت خود آگاه کند. شاخه‌ای از علم که میراث فرهنگی انسان‌ها را بررسی می‌کند، تاریخ است.

تاریخ سرگذشت حیات و فرهنگ یک قوم و ملت است که توسط مورخ ترسیم می‌شود. مورخان تلاش می‌کنند با استناد به منابع مکتوب و غیرمکتوب به درک روشنی از گذشته دست یابند و از آن تصویری مبتنی بر حقیقت ارائه دهند تا بتوان حال را بهتر درک کرد. پس می‌توان گفت تاریخ آموختن از گذشته برای فهمیدن حال است. برای بقا و استمرار فرهنگ و تمدن، هر جامعه‌ای باید میراث خود را به نسل‌های آتی انتقال دهد. بطور رسمی نظام آموزشی اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی این مهم را عهده دار است و در راستای چنین وظیفه مهمی درس تاریخ در برنامه درسی قرار گرفته است. از جمله اهدافی که برای آموزش تاریخ در نظر گرفته شده این است که این درس بتواند دانش آموزان را با گذشته سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند آشنا سازد، آنها را برای زندگی اجتماعی آینده آماده کند و باعث علاقمندی آنها به کشورمان شده و احساس احترام نسبت به موارث ملی و جهانی را در آنها برانگیزد. علاوه براین تربیت و تقویت قوه تشخیص حق از باطل و قضاوت بر مبنای استدلال نسبت به مسائل گذشته و استفاده از تجارب گذشتگان برای درک و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی زمان حال از اهداف اساسی آموزش تاریخ محسوب می‌شود. درس تاریخ و آموزش آن با چنین اهداف مهمی در مدارس و جامعه با مشکلاتی مواجه است. در نظام آموزشی جدید، هدف از آموزش تاریخ به خاطر سپردن اسامی متعدد نیست، بلکه تقویت قدرت تحلیل افراد از رویدادهای تاریخی و بررسی تأثیر آن در زندگی امروز جوامع انسانی است. از بعد آموزشی این درس به عنوان یک درس حفظی تلقی شده و کتب درسی تاریخ انباشته از مفاهیم متعدد، اسامی

اشخاص، زمان‌ها، مکان‌ها و جزئیات حوادث و رویدادهایی است که دانش آموزان آنها را حفظ می‌کنند و بعد از امتحان هم آن‌ها را فراموش می‌کنند. روش تدریس معلمان نیز که عمدتاً از روش‌های معمول و سنتی تدریس همچون سخنرانی، پرسش و پاسخ، روخوانی و غیره استفاده می‌کنند، مزید بر علت است. همچنین این تصور که تاریخ مربوط به گذشته است و در زمان حال که کاربردی بودن علم حائز اهمیت است چندان فایده‌ای برای فراگیر ندارد، از جمله عواملی هستند که آموزش این درس را با مشکل مواجه کرده‌اند. در این مقاله مطالب گردآوری شده در مورد چالش‌های پیش رو در آموزش تاریخ در سه بخش محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی ارائه شده است.

تاریخ و اهمیت مطالعه آن

در لغت نامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها، دست کم دو نوع تعریف از واژه «تاریخ» به چشم می‌خورد: نخست گذشته یا به بیان دیگر آنچه در گذشته روی داده است، مطالعه گذشته یا مطالعه آنچه در گذشته روی داده است. در این معنا، تاریخ یعنی مجموعه‌ی رویدادهای متعلق به زمان گذشته. در معنای دوم، تاریخ نوعی عمل یا تلاش برای شناختن همان مجموعه رویدادهای متعلق به زمان گذشته است. البته تاریخ همه رویدادهای گذشته را مطالعه نمی‌کند، بلکه فقط رویدادهای مرتبط با انسان‌ها را بررسی می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۱).

دکتر علی شریعتی موضوع علم تاریخ را عبارت از مجموعه پدیده‌ها و واقعه‌ها و روابط و فعل و انفعالات و زاد و مرگ حوادث و تکوین طبقات و طلوع و رشد و افول تمدن‌ها و جامعه‌ها و مجموعه همه رویدادها و پدیده‌های ویژه انسان در رابطه‌اش با «طبیعت» و در رابطه‌اش با «دیگری» در زمان «گذشته»، از بی‌نهایت دور تا حال می‌داند (مجموعه آثار: ۲۵۱).

از نظر علمی تاریخ به عنوان رشته‌ای علمی از دو شأن برخوردار است، شأن دانش پژوهی (آموزشی) و شأن معرفتی (علمی). فراگیری و آموزش تاریخ کارکردهای گوناگونی دارد: در خدمت فرهیخته کردن شهروندان جامعه است، شناخت از فرهنگ و تمدن‌های تاریخی را فراهم می‌کند، به هویت بخشی افراد کمک می‌کند، انتقال میراث تاریخی-فرهنگی به اعضای جامعه را آسان می‌سازد و برای فهم زمان حال و گذشته تاریخی آن سودمند است. از

حیث معرفت شناختی نیز تاریخ یک شیوه از تحلیل و تبیین پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و جغرافیایی است. روی هم رفته، تاریخ در خدمت توصیف، طبقه بندی و تبیین پدیده‌های انسانی-

اجتماعی است (مک لاند، ۱۹۷۵ و چفر-تیلور، ۱۹۷۷ به نقل از نجاتی حسینی، ۱۳۸۲ : ۱۵۸).

توجه به تاریخ و دگرگونی‌های آن این فرصت را به انسان عرضه می‌کند که از آنچه دیگران انجام داده‌اند درس عبرت بگیرد. از اینکه ابن خلدون کتاب خود را «العبر» نام می‌نهد، پیداست که تا چه حد به تجربه تاریخی اهمیت می‌داده است. رویدادهای تاریخی اگر در جزئیات هم با هم اختلاف دارند، اسباب و موجبات کلی آن‌ها و تدابیری که برای برخورد با آن‌ها می‌توان اتخاذ کرد تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و گذشته یک قوم و یک فرد برای قوم و فرد دیگر می‌تواند سودمند باشد. در واقع تاریخ تجربه‌های گذشته را به تجربه‌های کنونی ما می‌افزاید و زندگی ما را پرمایه‌تر می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۷۵ : ۷)

عوامل ترقی و تنزل قابل تکرار هستند و چیزهایی که برای دیگران اتفاق افتاده ممکن است برای ما هم اتفاق بیفتد مثلاً اختلاف باعث ذلت و اتحاد سبب عزت و سربلندی می‌شود. وقتی تاریخ می‌خوانیم از این مورد عبرت می‌گیریم پس می‌توان گفت مهم‌ترین فایده تاریخ عبرت‌آموزی است. در متون دینی و سخنان اندیشمندان نیز بر نقش تاریخ در رشد و تربیت افراد تأکید شده است.

قرآن بارها و در آیات متعدد انسان‌ها را به مطالعه تاریخ دعوت کرده است و در هر بار تقریباً با یک مضمون، انسان‌ها را به گردش روی زمین و مطالعه احوال ملت‌های سابق فرا می‌خواند. این کتاب آسمانی با تکرار و تأکید زیاد به پیروان خود دستور می‌دهد به سیر و سفر بپردازند و از نزدیک نشانه‌های تاریخی را مشاهده نمایند تا اندیشه آنها بارور شود و سطح فکر و فرهنگشان ارتقا یابد. قرآن در این سطح به انسان امکان می‌دهد با عقل خود و روش‌ها و بینش‌های متعدد و متکثر که در طول زمان شکل می‌گیرند به مطالعه تاریخ بپردازد. دستور مطالعه آثار تاریخی با تعبیرات مختلفی آمده است، جایی نقل سرگذشت امت‌های گذشته را عبرت معرفی می‌کند به عنوان نمونه در سوره (اعراف : ۱۷۶) خطاب به رسول خدا (ص) آمده است: *فَأَقْصِبْ أَلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ*. داستان‌ها را برای آن‌ها نقل کن، بلکه تفکر کنند. در جایی دیگر، مطالعه آثار باستانی گذشتگان را از نظر عبرت آموزی توصیه می‌کند

و می فرماید: قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (آل عمران: ۱۳۷)

پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟ در نهج البلاغه نیز یکی از حوزه‌های مطالعاتی که به تفکر در آن بسیار تأکید شده، تاریخ است که با توجه به شأن هدایتگری امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌تواند یکی از روش‌های تربیتی ایشان به شمار آید. از نگاه نهج البلاغه، تاریخ یکی از منابع غنی تربیت در اسلام است که هدف از مطالعه آن تصدیق عملی یعنی تربیت در سایه توجه به حقایق گذشتگان است. نهج البلاغه افزون بر اینکه ما را به مطالعه و سیر و تحقیق در تاریخ ترغیب می‌کند خود در نقل حوادث و وقایع مهم و حساس تاریخی پیشگام است و بیش از هر کتاب سخن از تاریخ به میان آورده است؛ در نخستین خطبه آن، مقاطع مهمی از تاریخ عنوان شده است. همانند تاریخ پیدایش جهان و مراحل طبیعی آن، آفرینش انسان نخستین (حضرت آدم علیه السلام)، خلقت فرشتگان و بعثت انبیا علیهم السلام که همه اینها نشانگر اهمیت تاریخ در نهج البلاغه است. به عنوان نمونه در نهج البلاغه امام علی (ع) نامه‌ای خطاب به فرزند برومندش امام حسن (ع) دارد که در بخشی از آن بر فایده مطالعه تاریخ تأکید می‌کند و می‌فرماید: پسرم درست است من به اندازه پیشینان عمر نکرده ام اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آن جا که گویا یکی از آن‌ها شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آن‌ها بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آن‌ها را از دوران تیرگی شناخته‌ام و زندگانی سودمند آن‌ها را با دوران زینبارش شناسایی کردم. سپس از هر چیز مهم، ارزشمند آن‌ها را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن‌ها را برای تو برگزیدم و ناشناخته‌های آنان را دور کردم (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

سید ظهیرالدین مرعشی (۱۳۴۷) علم تاریخ را از علوم ضروریه دانسته و بیان می‌کند تا کسی بر احوال گذشتگان عالم آگاه نشود، از فواید العلم علمان، علم الابدان و علم الادیان بی بهره و بی نصیب خواهد بود زیرا که مسافران عالم و حاضران این زمان بر سه قسم اند:

۱- انبیاء و اولیاء که خلاصه موجودات و برگزیده کاینات‌اند.

۲- فرعونیان، نمرودیان و پیروان شیطان که ظالم نفس خود هستند.

۳- سایر اهل عالم که عوامند اگر صحت اختیار اختیار کنند از جمله ابرار شوند و به ناز و نعمت جنان واصل گردند و اگر در صحبت اشرار مواظبت نمایند از جمله فجار و اهل آتش گردند.

علم تاریخ مخبر و مبنی است از احوال طوایف سه گانه، پس هر که علم تاریخ را ضبط کند و بر اطوار سابق بالخیرات واقف گردد بداند که، عمل خیر ایشان ترک هوای نفسانی و لذات جسمانی است مثل: کم خوردن، کم گفتن، ترک راندن شهوت کردن، متابعت شیطان رجیم نکردن و مضمون قول قائم کریم له: ".... فلا تتبع الهوی و فیضک عن سبیل الله...." را نصب العین گردانیدن است و این جمله موجب ازدیاد ایمان، صحت ابدان، رفع و دفع آلام و اسقام- بیماری ها- ایشان است (مرعشی، ۱۳۴۷: ۶۵).

زرین کوب در مقدمه کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام (۱۳۸۳) بیان می کند، تاریخ نه آینه عبرت است نه کارنامه جهل و خیانت. تاریخ راستین، سرگذشت زندگی انسانهاست که زندگی کرده اند و حتی در راه آن مرده اند اما آنچه برای مورخ اهمیت دارد آن نیست که این انسانها چگونه مرده اند؟ آن است که آن ها چگونه زیسته اند؟ کسی که تاریخ را چنان که هست می نگرد به کمک آن می تواند فاصله زمان را در هم نوردد و زندگی کنونی خویش را در زندگی انسان های گذشته و دنباله آن مشاهده کند لیکن این فایده وقتی حاصل تواند شد که تاریخ تنها سرگذشت فرمانروایان و نام آوران نباشد، سرگذشت همه مردم و داستان زندگی تمام طبقات باشد (زرین کوب، ۱۳۸۳-مقدمه).

برای بقا و استمرار فرهنگ و تمدن، هر جامعه باید بتواند افراد را با میراث گذشتگان و فرهنگ و تمدن خود آشنا کرده و آنها را برای زندگی اجتماعی، خدمت به کشور و فداکاری جهت حفظ آن آماده کند. در حال حاضر نظام تعلیم و تربیت اصلی ترین نهادی است که این مهم را عهده دار است. از جمله اهداف کلی نظام تعلیم و تربیت کشور ما آمادگی برای زندگی اجتماعی، عشق به میهن و... است که در درس های مختلف از جمله درس تاریخ بازتاب یافته است.

جایگاه آموزش تاریخ در تربیت افراد

در زبان متعارف، تاریخ را شرح و وصف وقایع گذشته می‌دانند. مورخان با استناد به منابع مکتوب و غیر مکتوب معتبر تلاش می‌کنند به درک روشنی از گذشته دست یابند تا بتوانند از تاریخ تصویری مبتنی بر حقیقت ارائه دهند. تاریخ هر ملتی نمادی از هویت آن ملت است که در شکل‌گیری شخصیت و هویت جوانانش نقش اساسی دارد. ملتی که به تاریخ خود بها دهد و جوانان را با فرهنگ و تمدن خود آشنا کند بی‌شک در مواجهه با تهدیدها و تهاجم‌های فرهنگی رنگ و بوی خود را نمی‌بازد.

تاریخ انباشته از تجربه‌های گذشتگان است و یکی از بهترین وسایل تربیت جوانان محسوب می‌شود. تربیتی که از مطالعه و درک تاریخ به دست می‌آید، بسیار مفید و مؤثر است. شاید بتوان گفت، مهم‌ترین نتیجه‌ای که از مطالعه تاریخ و تفکر درباره‌ی آن به دست می‌آید، تربیت است. در عین حال، تاریخ رابط بین نسل‌های گذشته با نسل حاضر و نسل‌های آینده است و رابط زمان گذشته با حال و آینده به شمار می‌رود. بدون تردید، ریشه‌ی وقایع زمان حاضر در گذشته است و اگر ما از این نظر گذشته را مورد مطالعه قرار دهیم، نه تنها فقط خاطرات درگذشتگان را مرور نکرده‌ایم، بلکه تاریخ را علمی زنده و پویا می‌بینیم. یکی از برنامه‌های درسی مهم در نظام آموزشی کشورها از جمله ایران، درس تاریخ است که اهداف مشخصی را دنبال می‌کند. هدف اساسی تدریس تاریخ بکارگیری تجارب نیاکان و ایجاد علایق پایدار و متداوم به مطالعه گذشته در شاگردان است تا این عادت در شاگردان ایجاد شود که تاریخ را برای لذت بردن مطالعه کنند.

درس تاریخ شاگردان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد و زمینه را برای رشد تفکر فراهم می‌کند، از مهم‌ترین رسالت‌های این دروس آشنایی کلی با گذشته سرزمینی است که در آن زندگی می‌کنند. فهم ایثار و فداکاری پیشینیان جز از طریق مطالعه تاریخ امکان پذیر نیست؛ بنابراین آمادگی برای خدمت به کشور و فداکاری جهت حفظ آن از اهداف دروس تاریخ بشمار می‌آید.

اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ را در سه حیطة، تاریخ و هویت‌بخشی، تاریخ و وحدت ملی، تاریخ و عبرت‌آموزی می‌توان خلاصه کرد.

تاریخ و هویت‌بخشی: اگر شناسنامه هر کس را بیانگر هویت فردی او بدانیم، تاریخ را می‌توانیم مبین هویت جمعی یا ملی وی تلقی کنیم. واژه هویت بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن خود به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. تاریخ نیز به صورت خاص نقش حساسی در شکل دادن به هویت ملی هر ملت دارد. ریشه‌های هویت یک ملت در تاریخ آن است و هویت ملی مانند ساقه‌ای است که همه اجزای فرهنگی یک ملت براساس آن وحدت می‌یابند (زردند، ۱۳۹۴: ۲۸).

تاریخ و وحدت ملی: سرنوشت مشترکی که مردمان یک جامعه در طول تاریخ داشته‌اند، اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها، موجب نوعی از وحدت ملی در بین آن‌ها می‌شود. این امر، اهمیت درس تاریخ را در میان سایر دروس نشان می‌دهد. همین جایگاه تاریخ را در دروس دیگری مثل ادبیات فارسی یا دروس دینی هم دیده می‌شود. آن‌ها هم به وحدت ملی و حفظ فرهنگ و آرمان‌های ملی و مذهبی در جامعه کمک می‌کند (احمدی، ۱۳۸۰: ۷). تاریخ و عبرت‌آموزی: تأکید بر اصرار و مطالعه حوادث تاریخی به منظور شناخت و پی‌بردن به علل ظهور تمدن‌ها، انهدام اقوام و ملل و کیفیت بروز انقلاب‌ها و تحولات تاریخ و همچنین به منظور عبرت گرفتن و درس گرفتن و به کار بستن قوانین تاریخی و پیروی از سنت‌های تغییرناپذیر آن است. در اصطلاح قرآن سیر و گردش در زمین به معنای مطالعه تاریخ به کار رفته است (پایدار، ۱۳۸۰: ۹).

چالش‌های آموزش تاریخ

سال‌های درازی است که درس تاریخ در نظام آموزشی جامعه ما، با هدف شناخت و درک بهتر گذشته‌ی انسان‌ها و سیر تحول تمدن‌ها، به ویژه تمدن و فرهنگ کشور عزیزمان، گنجانده شده است. معلمان فراوانی آمده و رفته‌اند و تاریخ را به شکل داستان یا به شیوه‌ی سخنرانی، به فراگیران عرضه کرده‌اند. در پایان سال تحصیلی نیز، آزمونی سنتی که نمایانگر میزان یادگیری آنها از تاریخ بوده است، به عمل آورده‌اند. چه بسا، دانش‌آموزانی تنها مطالبی را حفظ کرده و با نمراتی ممتاز از این درس، بعد از مدت کوتاهی نیز آن‌ها را از یاد برده‌اند و درک درستی از تاریخ نداشته و هیچ توشه‌ای از آن نگرفته باشند. در این مقاله برخی از مشکلات آموزش تاریخ را در سه بخش محتوا، روش‌های آموزش و روش‌های ارزشیابی دسته‌بندی و به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱. محتوا

یکی از ویژگی‌های کتب درسی تاریخ در سیستم آموزشی جامعه ما **متن محور بودن** آنهاست. در آموزش و پرورش ما یک کتاب درسی (محتوای معیار) تدوین می‌شود و همه باید آن را تدریس کنند، پرواضح است که این به این معنی نیست که ما یک محتوای استاندارد علمی در رشته تاریخ داریم. با توجه به اینکه هدف از آموزش تاریخ اینست که یک هویت جمعی برای یک ملت ایجاد کند، پس رسالت تاریخ این است که انسجام و همبستگی ملی و یک «مای» بزرگ ایجاد کند پس محتوای تاریخ باید چنین معنایی ایجاد کند. این نگاه به تاریخ قبل از انقلاب با باستان‌گرایی و تاکید بر تاریخ باستان و بعد از انقلاب با تاکید بر تاریخ معاصر دنبال شده است. در دانشگاه‌ها هم بدنبال آموختن تاریخ به عنوان یک علم نیستند بلکه بدنبال آموزش محتوایی در قالب یک ایدئولوژی و به نام علم تاریخ به دانشجویان هستند تا آن‌ها را برای زندگی در جامعه سیاسی جدید آماده کنند. پس در اینجا بر خلاف سایر علوم هدف آموزش تاریخ نیست بلکه تاریخ را برای رسیدن به هدف دیگری آموزش می‌دهند. آموزش تاریخ هدف نیست بلکه یک مسیر است برای هدف دیگری. به عنوان مثال در دوران پهلوی درس تاریخ باید حس وطن پرستی، شاه دوستی و تجدد را ایجاد می‌کرد و به تبع محتوایی در کتب درسی تاریخ گنجانده می‌شد و مطالبی تدریس می‌شد که همساز با این پروژه باشد. یکی از چالش‌های دبیران تاریخ مواجهه شدن با این دوگانگی است که باید تعدادی واقعیت‌های مسلم تاریخی را درس بدهند که محل گفتگو و پرسش نیستند، در حالی که تصور براین است که در آموزش تاریخ باید به کشف حقیقت تاریخی پرداخته شود و اینجاست که کشف حقیقت امری ثانوی می‌شود. این وضعیت در آموزش تاریخ معاصر بغرنج تر می‌شود چرا که موضوعات تاریخی آن زنده‌تر است و طرف‌های دعوای سیاسی بعضاً هنوز زنده‌اند و یا زمان زیادی از آنها نمی‌گذرد (برگرفته از مصاحبه دکتر اکبری، رشد آموزش تاریخ، ۱۳۹۶ : ۷-۸)

صالحی (۱۳۸۹) به واقعیت عدم توجه به نقش شخصیت‌ها در بروز و ظهور حوادث و یا توجه گذرا به شخصیت‌ها، در کتاب‌های درسی تاریخ ما، اشاره می‌کند و سپس به توصیف وضع آموزش تاریخ در مدارس پرداخته و معتقد

است که درس تاریخ در مدارس ما، بیش از همه، بیان درس تاریخ در مدارس ما، بیش از همه، بیان رویدادها و حوادث بر مبنای «نظمی رویداد شمارانه» است و این یعنی، آموزش تاریخ به حسب توالی تاریخی و وقایع محوری، بر شخصیت شناسی غلبه دارد و نتیجه گیری نموده است که در کتب درسی از شخصیت‌های مهم تاریخی به شکل گذرا سخن رفته است، در مقاطع مختلف تنها یک یا دو بار از شخصیت‌های مؤثر تاریخی سخن به میان آمده و سپس پرونده‌ی آنها بسته شده است، از شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخی در لابلای حوادث سخن گفته شده است و حق مطلب به شایستگی ادا نشده است، کتاب درسی تنها اشاره‌ای کوتاه به زندگی پرفراز و نشیب شخصیت‌ها کرده که آن هم با نوعی انقطاع همراه است. به نظر دکتر صالحی، کاستی‌های کتب درسی تاریخ با بدآموزی کتاب و معلم همراه شده و توجه به شخصیت‌های تاریخی گاه با تعصب و عدم انعطاف بر آموزش تاریخ سایه افکنده و شخصیت‌ها با تحریف، تخریب و تمجید مواجه می‌شوند. آن چه از آن غفلت می‌شود تعریف و شناساندن درست شخصیت است (رشد آموزش تاریخ، ۱۳۸۹: ۵۹).

۲) روش‌های تدریس درس تاریخ

در بررسی روش تدریس درس تاریخ، دو مشکل مهم قابل تأمل است:

-تکیه بیش از حد بر محفوظات و انتقال اطلاعات و دوری گزیدن از آموزش تفکر انتقادی

-عدم جذابیت درس تاریخ برای دانش‌آموزان به خاطر استفاده از روش‌های سنتی در تدریس از سوی معلمان.

الف. تکیه بیش از حد بر محفوظات

در تاریخ مفاهیم متعددی مانند اسامی افراد و شخصیت‌های تاریخی، اسامی مکان‌ها، جزئیات، علل و زمان انواع رخدادهای وجود دارد. حال اگر قرار باشد که این حجم گسترده از مفاهیم در یک کتاب درسی گنجانده شود و دانش‌آموزان هم مجبور باشند همه آن‌ها را به ذهن بسپارند و در جلسه امتحان پس بدهند، آن وقت درس تاریخ- که باید عشق به نیاکان و سرزمین ما را در دانش‌آموزان تقویت کند- تبدیل به مخزنی از محفوظات و به تبع یک درس بیزارکننده خواهد شد.

یافته‌های پژوهش کیامنش (۱۳۷۷) در مطالعات تیمز، نشان از وضعیت نامناسب دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه دارد. او مشکل را روش‌های تدریس معلمان گزارش کرده است. (کیامنش، ۱۳۸۱ : ۲۰)

آنا کلارک (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی تدریس تاریخ در کانادا و استرالیا نشان داده است در تدریس تاریخ برای دانش‌آموزان شیوه تدریس معلم تأثیرگذارتر است تا محتوای تدریس شده، همچنین دانش‌آموزان دوست دارند تاریخ را با روش نقادی (نقد کردن) یاد بگیرند تا آنچه را اتفاق افتاده حفظ کنند. برخی پژوهش‌ها حاکی از بکارگیری روش‌های سنتی در تدریس درس تاریخ است از جمله نتایج پژوهش شکاری (۱۳۸۱) نشان داده است که در نظام آموزش و پرورش ایران، خصوصاً دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه، از روش‌های مختلف تدریس به‌ویژه روش سخنرانی و حفظی استفاده می‌شود و به دلیل الگوی ارتباطی یک طرفه، حفظ کردن صرف معلومات تاریخی و ناکارآمد بودن آن، این روش‌ها از کارایی لازم برخوردار نیستند و در نهایت به منظور افزایش کارایی و نیز تنوع در روش‌های آموزشی استفاده از روش ایفای نقش و سایر روش‌های فعال در آموزش تاریخ پیشنهاد شده است. (شکاری، ۱۳۸۰: ۱۲۳)

همچنین گیلبرت راب (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان آیا تدریس تاریخ در مدارس می‌تواند موفق باشد؟ می‌گوید: توسعه برنامه درسی در هر مدرسه نیاز به مجموعه‌ای از عوامل روشن و اساسی دارد: اهداف مدون و گسترده، توافق مؤثر برای انتخاب محتوا و سازماندهی مفید و مؤثر محتوا. این پژوهش نشان می‌دهد که رشته تاریخ در مواجهه با این نیازها با چالش‌های جدی روبه‌روست. پراکندگی رویکردهای تدریس تاریخ، وظیفه اجماع بر سر مجموعه‌ای از اهداف روشن را مشکل کرده‌است.

یکی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و در عین حال صاحب‌نظر رشته تاریخ برای ایجاد تغییر در شیوه‌های سنتی تدریس و جلوگیری از افت تحصیلی در درس تاریخ، معتقد است رویکرد ما در طراحی برنامه‌های درس تاریخ باید تغییر کند. بعضی به جای ارائه انبوه مطالب، با شیوه‌های فرآیند محوری، محتوای تاریخی را به گونه‌ای عرضه می‌کنند که دانش‌آموزان اولاً تاریخ را در یک بستر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مربوط به هر زمان به

طور فراگیر می‌آموزند و ثانیاً در جریان آموزش و یادگیری تاریخ، به شیوه حل مساله و نگاه پژوهشی مشغول تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات، تفسیر و تحلیل اطلاعات می‌شوند تا از گذشته، چراغی برای حرکت در مسیر حال و آینده ساخته شود. جای این‌ها در دروس تاریخ خالی است (رشد آموزش تاریخ، ۱۳۸۰: ۹ و ۱۰) به نظر این صاحب‌نظر، در سال‌های اخیر، تحولاتی در این زمینه ایجاد شده و ما در کتاب‌ها شاهد طرح موضوعاتی چون فعالیت‌های گروهی، بحث و گفتگو، اظهار نظر درباره حوادث تاریخی و... هستیم ولی این میزان تغییر کافی نیست بلکه در شیوه برنامه‌ریزی و تدریس تاریخ، باید انقلاب ایجاد شود. این انقلاب هم باید در روش‌های یاددهی و یادگیری هم در نظام ارزشیابی صورت گیرد تا نتیجه بخش باشد (همان منبع).

ب- عدم جذابیت روش‌های آموزش

یکی از علل عدم جذابیت درس تاریخ برای دانش‌آموزان استفاده از روش‌های سنتی تدریس از سوی معلمان است. اصلی‌ترین شیوه آموزش درس تاریخ، روش سخنرانی یا روخوانی کتاب است. در این روش، کتاب انبار اطلاعات، معلم انتقال‌دهنده آن و دانش‌آموز عنصر منفعلی است که باید آن اطلاعات را به خاطر بسپارد. این روش، دلزدگی و حتی تنفر نسبت به درس تاریخ را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند در حالی که برای ایجاد قدرت تفکر، پرسش‌گری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دانش‌آموزان، باید قالب خشک تدریس را که به فضای کلاس، کتاب و معلم محدود می‌شود، کنار گذاشت و به روش‌های فعال و مشارکتی تدریس روی آورد. در این فرایند، جذابیت حکایت‌های تاریخی، نقشه‌های تاریخی، توجه به اسناد و مدارک تاریخی، اصول پژوهش‌های تاریخی، بازدیدهای علمی از موزه و آثار تاریخی، دیدن عکس‌ها یا فیلم‌های تاریخی، و ایجاد ارتباط دوستانه و تنگاتنگ با تمامی دانش‌آموزان، از راهکارهای ضروری در تدریس تاریخ محسوب می‌شود.

امروزه با ورود فناوری‌های جدید آموزشی، متن کتاب درسی مفهومی گسترده‌تر یافته‌است و قالب‌های جدیدی مثل محتوای الکترونیکی در کنار متون چاپی به عرصه آموزش وارد شده‌است که می‌توان با بکارگیری آن‌ها به جذابیت محتوای ارائه شده پرداخت. ارائه آموزش تاریخ از طریق محتوای الکترونیکی می‌تواند با فراهم آوردن امکان مطالعه و بررسی مدارک و اسناد تاریخی بصورت دیداری و شنیداری و گردشگری مجازی علاوه بر جذابیت دادن

به روش‌های پاسخگویی به کنجکاوی افراد برای دانستن در مورد سرگذشت پیشینیان، می‌تواند در گسترش، تعمیق و تعمیق آموزش تاریخ نیز موثر واقع شود.

در واقع در عصر اطلاعات، انتقال اطلاعات نباید هدف باشد بلکه تحلیل و پردازش اطلاعات هدف است و این نیز ضمن استفاده از روش‌های نوین تدریس، به اصلاح رویکردهای اساسی نیاز دارد. استفاده از امکانات کمک آموزشی از جمله اطلس، نقشه، فیلم‌های تاریخی، فیلم‌های کارتونی و مشابه اینها، به شدت می‌تواند موثر افتد. متأسفانه علیرغم برخورداری از امکانات عظیم تاریخی و وجود فیلم‌های مختلف بویژه در زمینه تاریخ معاصر، از این ابزار کمتر استفاده می‌شود و از سوی معلمان در آموزش تاریخ مورد بهره‌گیری قرار نمی‌گیرد. البته نمی‌توان همه امکانات و تجهیزات را برای همه مدارس فراهم کرد و این امر نیازمند سرمایه‌گذاری برای سال‌های متمادی است اما با استفاده از خلاقیت معلمان و دانش آموزان و بهره‌گیری از امکانات محلی و منطقه‌ای می‌توان جذابیت درس را افزود.

۳) روش‌های ارزشیابی

دانش آموزان به خاطر حجم زیاد محتوای تاریخ و خستگی از حفظ کردن نام سلسله‌ها، پادشاهان و جنگ‌ها، تاریخ را درسی غیرضروری و بی‌فایده که تنها موجب دزدگی و اتلاف وقت آن‌ها شده‌است، تصور می‌کنند و نه تنها توشه‌ای از تاریخ بر نمی‌گیرند، بلکه یک هفته بعد از امتحان آن را به فراموشی می‌سپارند و دیگر هیچگاه به سراغ تاریخ نمی‌روند. یکی از دلایل این امر شیوه ارزیابی درس تاریخ است. شیوه ارزیابی رایج به گونه‌ای است که دانش آموزان را به سوی تاریخ توصیفی سوق می‌دهد، در حالی که باید به سمت تاریخ تحلیلی هدایت شوند و قوه تفکر و قیاس دوره‌های تاریخی را برای پیوند زدن گذشته با حال و آینده، در دانش آموزان تقویت نماید. باید دانست که نظام ارزشیابی نیز باید متناسب با تغییر محتوا و روش تدریس، تغییر کند. طراحی کتاب واحد، ارسال سوالات امتحانی مشترک، تصحیح ورقه‌ها به وسیله یک معلم دیگر، اختصاص کل نمره به برگه امتحانی و... ، خود مانع ایجاد تغییر و تحول در تدریس این درس است. در ارزشیابی درس تاریخ هم مثل برخی دیگر از دروس

باید بخش عمده‌ای از نمره پایانی به مسائلی که در طول سال تحصیلی در کلاس می‌گذرد از جمله علاقه دانش آموز به درس، شرکت در مباحثات، ارائه گزارش تحلیلی از بازدیدها، تحلیل و تبیین مطالب، و... تعلق گیرد. باید به خاطر داشت که در ارزیابی از دانش‌آموزان، باید روند یادگیری مستمر و میزان افزایش قوهی خلاقیت و تحلیل‌های تاریخی آنان را در نظر گرفت، نه آزمون‌های سنتی که تنها به قوهی حافظه و سطح یادگیری دانشی آن‌ها توجه دارد. هدف از آموزش تاریخ تربیت جوانانی است که با شناخت رویدادهای تاریخی و با درک گذشته، واقعیت‌های حال را بهتر در یابند و در راه آینده مطمئن‌تر و درست‌تر گام بردارند. باید به آن‌ها انگیزه‌ی لازم برای پژوهش در تاریخ و اصول درست انجام پژوهش‌های تاریخی را یاد داد و آن‌ها را به تفکر و تعقل در تاریخ براساس اسناد و مدارک متقن واداشت تا در آینده‌ای نزدیک، شاهد رشد دیدگاه‌های تاریخی در جامعه و ارزش و اعتبار تاریخ در بین همگان باشیم.

نتیجه‌گیری

تاریخ هر ملتی، نمادی از هویت آنان است که در شکل‌گیری شخصیت و هویت جوانانش، نقش اساسی خواهد داشت. ملتی که به تاریخ خود بها دهد و جوانان را با فرهنگ و تمدن خودشان آشنا کند، بی‌شک در مواجهه با تقابلات فرهنگی، رنگ و بوی خود را نمی‌بازد و به جای تأثیرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه، بر آنان تأثیرگذار خواهد بود. این اصالت فرهنگی با آموزش درست درس تاریخ برای جوانان حاصل خواهد شد. به نظر می‌رسد در درس تاریخ، کمتر به اصول و روش‌های آموزش آن پرداخته شده است. این غفلت آشکارا محسوس است. در جامعه ما، دانش‌آموزان در درس تاریخ، با حجم انبوهی از اسامی، سال‌ها، مناطق و اطلاعات خام مواجه هستند. حفظ این انبوه اطلاعات، ضمن این که خسته‌کننده و طاقت فرساست، در بسیاری از موارد، یادگیرنده را از این درس گریزان می‌سازد. اگر خشک و بی‌هدف بودن مطالب را هم به موضوع فوق بیافزاییم، آن وقت از کلاس تاریخ چیزی نمی‌ماند جز درسی کسل‌کننده.

شیوه آموزش درس تاریخ در ایران، بیشتر، روش سنتی سخنرانی یا روخوانی کتاب است. در این روش، کتاب انبار اطلاعات، معلم انتقال‌دهنده آن و دانش‌آموز عنصر منفعلی است که باید آن اطلاعات را به‌خاطر بسپارد. این روش

دلزدگی و حتی تنفر نسبت به درس تاریخ را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند، در حالی که برای ایجاد قدرت تفکر، پرسش‌گری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دانش‌آموزان، باید قالب خشک تدریس را که به فضای کلاس، کتاب و معلم محدود می‌شود، شکست و به روش‌های دیگری روی آورد. در واقع در عصر اطلاعات، انتقال اطلاعات نباید هدف باشد بلکه تحلیل و پردازش اطلاعات هدف است و این نیز ضمن استفاده از روش‌های نوین تدریس، به اصلاح رویکردهای اساسی نیاز دارد.

پیشنهادات

- در آموزش تاریخ باید رشد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس، تقویت و گسترش مهارت‌های ذهنی و فیزیکی و طرز تفکر (دانستن، توانستن و خواستن) شاگردان مد نظر گرفته شود. در غیر آن تدریس مضمون تاریخ مؤثر نخواهد بود و نمی‌توانیم از فایده‌های مطالعه تاریخ به طور کامل بهره‌گیریم.

- یکی از اهداف نهایی آموزش تاریخ، حتی بعد از اتمام تحصیل، تربیت افراد علاقه‌مند به خواندن تاریخ است، برای علاقه‌مند شدن هرچه بیشتر شاگردان به فراگیری دروس تاریخ با این که مکان، زمان و جزئیات وقایع در آموزش تاریخ خیلی مهم اند، لازم نیست که تمامی نام‌ها و سال‌ها و دیگر مطالب غیرمهم و کسل‌کننده حفظ شوند، بلکه بهتر است در پروسه تدریس مطالب مهم و حفظ کردنی را از مطالب دیگر تفکیک کرد، از اطلس‌های تاریخی و نقشه‌ها استفاده شود و شرایطی مهیا گردد تا شاگردان به صورت فعال و مشارکتی در مباحث شریک شوند و از همه مهمتر به علیت حوادث و وقایع تاریخی توجه و تاکید شود و مهارت تحلیل علمی وقایع مدنظر قرار گیرد.

- برای مشکل حفظی بودن مطالب شاید بهتر باشد فراز و نشیب‌ها، رخداد‌های اساسی، شکست‌ها، موفقیت‌ها، سرگذشت افراد موثر در تاریخ و علل بروز حوادث و رخداد‌های مهم تاریخی در کتاب‌های درسی تاریخ ارائه شود و اگر قرار است مطالب بیش‌تری آورده شود، برای مطالعه آزاد و یا کسانی که می‌خواهند مطالب بیش‌تری بدانند، در نظر گرفته شود.

- به‌کارگیری فناوری‌های نوین و قابلیت‌های محتوای الکترونیکی در آموزش تاریخ این امکان را فراهم می‌آورد که بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی که در آموزش حضوری دروس تاریخ وجود دارد رفع گردد. امکاناتی

همچون آموزش با کمک ابزارهای چند رسانه‌ای، بررسی منابع، اسناد و مدارک تاریخی در کتابخانه‌های دیجیتال، فیلم‌های تاریخی، به‌کارگیری نرم‌افزارها، قابلیت‌های زیبایی‌شناختی محتوای الکترونیکی و... می‌تواند علاوه بر ایجاد جذابیت در کلاس درس اثر تسهیل‌کنندگی بر آموزش داشته و خشکی متون تاریخی و یکنواختی سخنان معلم را تعدیل کند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم

- احمدی، غلامعلی (۱۳۸۰). هنوز در آغاز راه هستیم (مصاحبه)، **مجله رشد آموزش تاریخ**، شماره پنجم، صص ۱۳-۷

- اکبری، محمدعلی (۱۳۹۶). وضعیت آموزش تاریخ در مدارس و دانشگاه‌های ایران (مصاحبه)، **مجله رشد آموزش تاریخ** . دوره نوزدهم . شماره ۱۱، صص ۱۵-۴

- پایدار، حبیب‌اله (۱۳۸۰). **برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن**، تهران؛ انتشارات سلمان

- رضی، سیدشریف (۱۳۸۶). **نهج البلاغه** (ترجمه محمد دشتی). قم: انتشارات دارالفکر. چاپ سوم

- زردند، علی (۱۳۹۴). روش‌های تقویت هویت دینی و ملی به کمک درس تاریخ، **مجله رشد آموزش تاریخ**، شماره دوم، دوره هفدهم،

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). **تاریخ ایران بعد از اسلام**، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دهم

- شریعتی، علی. **مجموعه آثار** شماره ۲۴، انسان

- شکاری، عباس (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی روش‌های تدریس تاریخ با تکیه بر روش ایفای نقش. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران

- صالحی، نصرالله (۱۳۸۹). آموزش تاریخ وقایع یا شخصیت‌ها؟ **مجله رشد آموزش تاریخ** . دوره یازدهم، شماره ۳، صص ۶۱-۵۷

-کیامنش، علی‌رضا (۱۳۸۱). ارزشیابی از فاز سوم طرح آموزش همه‌جانبه و مشارکتی، دستاوردها و چشم‌اندازها،

فصل‌نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۱

-گل محمدی، احمد (۱۳۸۹). بازتعریف تاریخ سیاسی پیشنهادی برای ساماندهی تاریخ سیاسی پژوهی.

دوفصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء، سال بیستم، دوره جدید، شماره

۵ پیاپی ۸۴، صص ۱۲۸-۱۰۷

-مرعشی ظهیرالدین (۱۳۴۷). تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران

--نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۲). واکاوی هویت تاریخی، تاریخ نگاری و جامعه شناسی تاریخی ایران:

ملاحظات نظری و روش شناختی، فصلنامه مطالعات ملی؛ ۱۵، سال چهارم، شماره ۱

-Anna. Clarc. (۲۰۰۸). Acomprative study of history teaching in Australia and canada.

Canada: monash university education, april. pdf

-Gilbert, Rob. (۲۰۱۱). Can History succeed at school? problem of knowledge in the Australian, Histoy curriculum, Australian journal of education History syllabus, ۵۵,

۲۴۵-۲۵۸.

History Teaching in Schools and Outline

By: Mahtab Changaei

Abstract

History is a collection of cultural, natural, social, economic, and political events that have occurred in the past and place of human life and in relation to their heritage. For the survival and continuation of culture and civilization, every society must pass on its legacy to future generations, and to preserve its identity. But the non-objective nature of history and interval of time between past and present and the difficulties encountered in teaching this lesson have made it difficult for learners. Therefore, this study was conducted with the aim of overview the situation of history education in schools, using written resources and descriptive-analytical method. According to the findings, there are challenges in the three sections of content, teaching methods, and history evaluation methods that need attention.

Keywords: History, History Education, Content, Teaching Methods, Evaluation Methods